

آینه

نیازمختار

مانع‌ذهنی تعطیلات دوروزه

● درحالی‌که منطق اقتصادی و غیراقتصادی باعث حرکت بسیاری از کشورها به سمت تعطیلات پایان هفته دوروزه شده، وجود برخی از موانع ذهنی باعث تأخیر مزمن در مدیریت تعطیلات در ایران شده است. اگرچه تعدد تعطیلات مناسبی انگاره پرتعطیلات‌بودن تقویم ایرانی را ایجاد کرده است، اما مقایسه تعداد روزهای تعطیل در ایران و بسیاری از کشورهای دنیا نشان می‌دهد که روزهای سرخ‌پوش تقویم در ایران بیش از ۴۰ روز از میانگین جهانی کمتر است.... پژوهش‌های علمی و تجربیات جهانی نشان می‌دهد که مدیریت صحیح تعطیلات با اثرگذاری بر بهره‌وری نیروی کار از یک سو و ایجاد تحرک در بخش‌هایی مانند گردشگری، ضمن کمک به توسعه مناطق کمترتوسعه‌یافته می‌تواند به‌عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی عمل کند... . بحث ساماندهی تعطیلات بیش از یک سال است که به‌صورت کم‌رقم در مجلس و هیئت دولت در حال پیگیری است. الگوی نامناسب فعلی تعطیلات در ایران که شامل تعطیلات مناسبی گسسته و تعطیلات پایان هفته یک‌روزه است، در عمل باعث شده تا اثر مثبت تعطیلات چه بر روی بخش‌های اقتصادی و چه بر روی سلامت فردی و اجتماعی نمود پیدا نکند. درحال حاضر در میان کشورهای مسلمان تنها ایران و جیبوتی دارای تعطیلات پایان هفته یک‌روزه هستند. البته در برخی از کشورها مانند امارات برخی از بخش‌های اقتصادی مانند بانک‌ها در روز شنبه برای تعداد ساعاتی محدود (۳ تا ۴ ساعت) به ارائه خدمات می‌پردازند.... . با افزایش تعطیلات بسیاری از بخش‌ها مانند کشاورزی، ارتباطات و حمل‌ونقل از این تغییر اثر چندانی نخواهند پذیرفت. از سوی دیگر برخی از بخش‌ها مانند گردشگری، رستوران‌ها و هتل‌داری با دوروزه‌شدن تعطیلات با جهشی عظیم مواجه خواهند شد. بخش‌های صنعتی نیز علاوه بر انتفاع از تحریک بهره‌وری می‌توانند با تنظیم و به‌روزرسانی تقویم کاری خود بخش قابل‌توجهی از اثر تعطیلی را پوشش دهند. بررسی تجربه جهانی نیز نشان می‌دهد که افزایش تعطیلات در کشورهایی مانند اندونزی نه‌تنها مانع رشد اقتصادی نبوده، بلکه از محلل تحریک بخش‌هایی مانند گردشگری در عمل به‌عنوان نیروی محرک رشد و بهره‌وری عمل کرده است.

اطلاعات

اول مقاومت بعدپذیرش

● سیدمصطفی کاظمی... به یاد آوریم در همین کشور مدرسه و دانشگاه و سایر مظاهر تمدن جدید با حق‌خون‌دل‌خوردن‌هایی استقرار و استحکام یافت اما در همه این موارد، عقب‌نشینی از آن مقاومت‌کنندگان بوده است.... واضح است که همیشه ممکن است برخی افراد از وسایلی که برای رفاه و سعادت بشر ساخته شده، استفاده مجرمانه کنند، روزنامه‌نگاری را برای قتل به کار برند یا از اتومبیل و هواپیما استفاده تروریستی کنند. آیا می‌شود به صرف استفاده مجرمانه برخی افراد از پدیده‌های مدرن این وسایل مهم و مفید را به کناری گذاشت و دیگر از آنها استفاده نکرد؟

تجرب

روزنامه‌هایاز زندگی مردم قهر کرده‌اند!

● در گفت‌وگو با مسعود مهاجر، روزنامه‌نگار پیش‌کسوت، ما بعد از انقلاب به سبکی از روزنامه‌نگاری روی آوردیم که با روزنامه‌نگاری کلاسیک دنیا و حتی روزنامه‌نگاری که پیش از آن در کشور ما مرسوم بود، فیرق دارد. روزنامه‌نگاری جدیدی که هدف آنها چیر‌هایی نبودن که در ابتدا برای آنها تعریف شده بود. به زبان ساده‌تر تنویر افکار عمومی و آگاهی‌بخشیدن به مردم فقط روی امور سیاسی متمرکز شد و دیگر شاخه‌های اجتماعی مهجور ماند... شاید برای نسل امروز باورکردنی نباشد که تقریباً همه کتاب‌های تاریخی که ذبیح‌الله منصوری ترجمه کرده مانند سینه‌وه، خواجه تاجدار و شاه جنگ ایرانیان در جلدران که هنوز هم جزء کتاب‌های پرتیراژ کنونی به‌شمار می‌آیند در هفته‌نامه خواندنی‌ها چاپ شده است که هر هفته دو نسخه روزهای شنبه و سه‌شنبه منتشر می‌شد... . همین‌الان آن دسته از نشریاتی که با نیازهای عمومی مردم سروکار دارند مخاطبان‌شان زیاد است. مجله‌های خانواده که معلوم نیست چرا با اصطلاح «زد» خوانده می‌شوند تیراژشان از روزنامه‌ها بیشتر است. برای اینکه نبض خانواده‌ها را می‌شناسند و می‌دانند. در یک کلام روزنامه‌های ما بعد از انقلاب بیش از اندازه سیاسی شدند درحالی‌که مردم ما هیچ‌وقت سیاسی نشدند.... من کلا موافق نیستم که همه تقصیر کاهش تیراژ و اقبال مردم به رسانه‌های مکتوب را به دوش ابزارهای جدید ارتباطی بیندازیم. من فکر می‌کنم که خالی‌شدن مطبوعات از محتوای موردانتظار مردم به این روند سرعت بیشتری بخشد. در کدام روزنامه دیده‌اید که خبرنگاران به جای اینکه به نقد و نکوشش دولت یا نهادهای مختلف راجع به کمبود تخم‌مرغ یا سایر کالاها بروند به سراغ تولیدکننده بروند و دلایل بروز کمبود را به مردم توضیح بدهند و از مردم بخواهند که در مصرف آن کالاها اندکی اسماک از خودشان نشان بدهند...؟ اصولاً چرا باید این اندیشه رواج پیدا کند که نبودن گوجه‌فرنگی در بازار تقصیر دولت است؟

politics@sharghdaily.ir

سیاست

مشاور ویژه رئیس‌جمهوری در امور قومیت‌ها و اقلیت‌ها:

تعصب و تنگ‌نظری، تهدید امنیت ملی است



عباس گلزاری، شرق

علی اوبویی: «هویت ملی»، «هویت محلی»، «اقلیت» و «ایرانی – اسلامی»؛ اینها واژه‌هایی هستند که زیاد شنیده‌ایم. اما آیا درک خواص، عوام و همچنین دولت از این واژه‌ها یکسان است؟ برای تبیین بهتر این کلمات به سراغ مشاور ویژه رئیس‌جمهوری در امور قومیت‌ها و اقلیت‌ها رفتم. حجت‌الاسلام علی یونسی را برخی با دوران وزارتش در دولت اصلاحات به یاد می‌آورند و او را فردی صرفاً اطلاعاتی و امنیتی می‌دانند اما در هر سه‌باری که با او مصاحبه کردم، متوجه این موضوع شدم که بسیار به تاریخ ایران و اسلام مسلط است، شاید به همین دلیل بود که سمت و سوی این مصاحبه به طرف مسائلی چون «نوروز» و «پادشاهان ایران» هم رفت. یونسی نگاه کلیشه‌ای به دوران‌های سیاسی ایران ندارد و استدلال می‌کند که «تمدن اسلامی» مدیون «تمدن ایرانی» است. او در نهایت گریزی به فرقه‌های موجود در ایران می‌زند و از مشکلات به‌وجودآمده در مورد «درویشان» می‌گوید. این مصاحبه زمستان سال گذشته و در اولین روز از اتفاقات خیابان پاسداران تهران که به درگیری بین پلیس و درویشان منجر شد، گرفته شده است.

بلکه خلق آثار تاریخی مانند تخت جمشید، شوش، زیگورات، اکباتان و مواردی از این قبیل، مربوط به ملت ایران است.

■ اتفاقاً بحث این است که مردم با این نگاه که همه شاه‌ها بد نبودند، موافق‌اند اما این بحث که همه شاه‌ها بد بودند، برخی مواقع کاملاً از طرف مجامع بیان می‌شود؛ یعنی نگاهی وجود دارد که این را القا می‌کنند که همه پادشاهان تاریخ ایران بد بودند. پس این انتقاد وارد است که چرا چنین بحثی را با این نگاه مطرح می‌کند.

ممکن است این ماجرا ریشه سیاسی داشته باشد. مردم هیچ دل‌خوشی از اکثر شاهان قاجار، به‌ویژه از ناصرالدین‌شاه به بعد و دو شاه پهلوی ندارند. مخصوصاً قاجاریه که بالاترین خیانت را به سرزمین ایران، تمامیت ارضی و به تاریخ ایران کردند. هم تالایبق بودند و هم نادان. آنها پای استعمار را به این کشور کشاندند؛ آنها به فرهنگ ما ایرانیان خسارات زیادی وارد کردند. ملت ما ملتی شجاع، زحمتکش و متدمن است ولی در دوران قاجار، پادشاهان این سلسله، مردم را در جهل و نادانی نگه داشتند و فرهنگ وارداتی را در کشور گسترش دادند. پهلوی‌ها هم به‌نوعی دیگری. آنچه انکارناپذیر است و همه قبول دارند این است که هر دو شاه مستبد بودند. در حکومت قاجاریه که قانون و مذهب وجود نداشت، آنها به یکپارچگی جغرافیایی کشور لطمه اساسی وارد کردند. ایران را کوچک کردند و متأسفانه قسمت کوچکی از آن باقی ماند. مردم ایران نمی‌توانند فراموش کنند که گسترده جغرافیایی سرزمین ایران از کجا تا به کجا بود و اینها به دلیل بی‌کفایتی موجب تکه‌پاره‌شدن این سرزمین شدند.

وقتی گفته می‌شود همه شاهان بد هستند، منظور این است، قبل از آنکه ما شاهی نداشتیم. بسیاری از شاهان صفویه، مورد عشق و علاقه روحانیت و علما هستند. چنانچه یک عالم و مرجع دینی درباره بی‌کفایتی شاهان تاریخ صحبت می‌کند و این سخن که مثلاً ناصر شاه عملکرد شاه‌عباس نیست، شاه اسماعیل صفوی، ایران جدید و تشیع را در ایران ایجاد کرده و شما از زبان هیچ عالم دینی، نقدی بر آنها نمی‌بینید. ممکن است اعتراض و نقدی هم بکنند اما در دوران صفویه، به‌ویژه شاهان اولیه، بالاترین وحدت و قربایت بین روحانیت و شاهان وجود داشته است. بنابراین حداقل شاهان صفویه، با همه‌شان یا بیشتر آنان، استننا هستند و خدمات آنان به ایران از چشم تاریخ دور نمانده است. قبل از صفویه هم تا هزار سال که دیگر شاهی نداشتیم، اگر بعضی از بزرگان معاصر هم شاهان گذشته را بد می‌دانند، علی‌القاعده منظورشان شاهان قاجار و پهلوی است.

■ شما در مورد هویت ملی صحبت کردید و گفتید که هویت ما اسلامی و ایرانی است. در کنار این «هویت ملی»، شما «هویت قومی و محلی» را هم مطرح می‌کنید. سؤالم را با یک مثال این‌گونه بیان می‌کنم: یک زرتشتی در ایران یک هویت محلی دارد اما وقتی در مورد «هویت ملی ایرانی و اسلامی» حرف می‌زنیم باعث نمی‌شود که آن زرتشتی خودش را یک مهروند درجه دو فرض کند؟

در اینجا دو مسئله اساسی داریم: یکی اینکه برای تحقق انسجام و وحدت ملی باید به فراگیرترین گفتمان روی بیاوریم که همان گفتمان اسلامی ایرانی است. مگر است در حدود کمتر از نیم میلیون نفر هم غیرمسلمان باشند که آنها هم از

است. به تعبیری، بین اقلیت ادیان توحیدی و اکثریت مسلمان، از نظر اساس و اصول تفاوت وجود ندارد چون هم شهروند مسلمان و هم اقلیت‌های ادیان توحیدی، به سه اصل اساسی توحید و یگانگی خدا، نبوت و معاد، اعتقاد دارند و بیشتر تفاوت‌ها در حوزه آیینی و مذهبی و فقهی و شرعی است.

این نوع تفاوت‌ها، حتی میان خود مسیحیان، خود مسلمانان و خود یهودیان هم وجود دارد. باید مراکز آموزشی و تربیتی نسل‌های آینده، وحدت شهروندان از ادیان مختلف را براساس مشترکات ملی و دینی تعریف کرده و این نسل‌ها را این‌گونه تربیت کنند به شکلی که هر ایرانی به فعلیت خود و گذشته خود افتخار کند و به آینده خود امیدوار باشد و هیچ اقلیت احساس خطر از اکثریت نکند.

■ شما شخصاً با اینکه نماینده اقلیت در مجلس داشته باشیم، موافق هستید؟ مثلاً نماینده آشوریان، نماینده مسیحیان، اگر ما هویت ملی داریم و اقلیت براساس قانون زیر نظر اکثریت کار می‌کنند، چرا باید یک اقلیت نماینده جدا داشته باشد؟ چرا در یک چارچوب مثل همه نباشند؟

در این قضیه به نظر من باید یک تبعیض مثبت به نفع اقلیت‌ها صورت بگیرد. اقلیت‌ها می‌توانند در انتخابات به آن مسلمانان که نامزد شده، رأی دهند.

■ پس چه لزومی دارد که نماینده جدا وجود داشته باشد؟

فقط برای اینکه ما ابتدای حکومت‌داری هستیم. جمهوری اسلامی در ابتدای کار است. هنوز فاصله زیادی داریم تا رسیدن به این مرحله از رعایت حقوق شهروندان، نماینده اقلیت و اکثریت از ذهن‌ها خطور کند و هر ایرانی مطابق قانون اساسی صاحب حق باشد. ما این نوع تبعیضات مثبت را باید رعایت کنیم. اتفاقاً باید این تبعیضات مثبت را در مورد «اقلیت قومی» بیشتر مورد توجه قرار دهیم. یعنی ما باید به صورت نمایان از فرهیختگاه بلوچ، کرد، عرب، ترکمن و از فرهیختگاه اهل سنت در مناصب مهم استفاده کنیم و آنها را بر یک اکثریت ترجیح دهیم. یعنی چنانچه بخواهیم بین یک کرد و غیرکرد که هر دو شایسته هستند، یکی را انتخاب کنیم، من می‌گویم که حالا باید گرد را انتخاب کنیم.

در شرایط برابر باید گرد، بلوچ و اهل سنت را انتخاب کرد اما متأسفانه هنوز فرهنگ کافی و لازم را نداریم. ما باید به تبعیضات مثبت عاقل کنیم تا حس تبعیض از بین برود. هنوز متأسفانه حس تبعیض و حس تحقیر در بین همه اقلیت‌های ما وجود دارد. اینکه یک اهل سنت به دلیل سنی‌بودن یا کسی که تابع یک فرقه مذهبی مانند درویش اهل حق از مناصب و موقعیت‌های اجتماعی، نمایندگی مجلس، استادی دانشگاه، وزارت، استانداری و... محروم شود، به صلاح امنیت ملی و انسجام ملی ما نیست. واقعاً به صلاح وحدت و انسجام ملی ماست

که امثال سپین‌تا نیکمان، نه فقط در شورای شهر باشند بلکه شهردار و استاندار شوند. وقتی حاکمیت مانند رهبری، رئیس‌جمهوری، ارتش، قوه قضائیه و... در دست اکثریت است، نباید نگران باشیم که به اقلیت‌های قومی، مذهبی و دینی میدان دهیم. اجازه دهیم آنها هم بیایند. تا هم حقوق آنان به‌عنوان یک ایرانی، بحق مورد توجه قرار گرفته و احساس تبعیض از بین برود و هم تبلیغات علیه جمهوری اسلامی خنثی شود. این تعصبات مذهبی و تعصبات قومی و محلی که در کشور ما وجود دارد، بلای جان کشور است، خطر اصلی ما اینهاست و در واقع اینها برای امنیت کشور تهدید هستند نه وجود قومیت‌ها و اقلیت‌ها که با قرارگرفتن در کنار هم، رنگین‌کنان ایران بزرگ را شکل می‌دهیم.

تعصب و تنگ‌نظری و خودبرتربینی تهدید است. اینها نگاه‌های محدود و خطرناک است زیرا بین مردم دشمنی و در میان آحاد ملت ما اختلاف ایجاد می‌کند. سازمان‌های امنیتی و حاکمیتی ما باید این نوع نگاه‌های تهدیدآمیز را مهار کرده و به کوشه‌ای ببرند. این نگاه حکومتی نیست و مخالف نگاه امام راحل و مقام معظم رهبری و قانون اساسی است. کسانی که با عدالت بی‌طرفی و مذهب مخالفت می‌کنند، برخلاف استراتژی کلان جمهوری اسلامی و قانون اساسی عمل می‌کنند. متأسفانه بسیاری از اینها در مناصب مهم هم نفوذ کرده‌اند و گاهی حرف آنها و صدای آنها بلندتر می‌شود. گاهی حتی اکثریت مجلس متأثر می‌شود و جرئت نمی‌کند از قانون دفاع و به مصلحت جمهوری اسلامی عمل کند. اما هیچ مصلحتی بالاتر از امنیت ملی و انسجام و وحدت ملی ما نیست. همه چیز باید فدای این دو ضرورت، یعنی امنیت و انسجام شود، نه اینکه امنیت و مصلحت ملی را فدای تعصب بود. بعضی از اشخاص تندرو و بعضی از افراد باندهای سیاسی کنیم.

■ آقای یونسی، شما به‌عنوان دولت چه اقدامی خواهید کرد که در بحث حقوق شهروندی حتی از این اقلیت‌ها، بایمال نشود؟

البته ما انتظار نداریم شورای نگهبان برخلاف نظر فقهی خودش فتوا و رای بدهد اما انتظار داریم با مصلحت جمهوری اسلامی در جاهای دیگر همراهی کند. انتظار ما از شورای نگهبان این است آنجا که بحث در شورای عالی امنیت ملی یا مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح است یا نظر حکومت یا حاکم مطرح است، همراهی بهتر و بیشتری داشته باشد.

ادامه در صفحه ۱۵

نگاه

خداحافظی یا تلگرام؟!



● رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، به‌تازگی بااطمینان از فیلترینگ تلگرام و به تعبیر دیگر، خداحافظی با این ابزار و شبکه ارتباطی، تا پایان فروردین‌ماه خبر داد و البته این اظهارات با واکنش شورای عالی امنیت ملی و وزیر ارتباطات، مواجه شد و جهرمی آن را نوعی انتهاب آفرینی در جامعه توصیف کرد. حال با فرض اینکه اراده‌ای مصمم و تصمیمی غیرقابل‌برگشت، برای فیلترینگ این وسیله ارتباطی باشد (هرچند دولت و جامعه مدنی باید در صورت اجرا یا اجبار برای اجرای چنین تصمیم غیرمنطقی و زیان‌بار از خود واکنش نشان داده و مقاومت کند)، آیا اندک موافقان فیلترینگ، به عواقب و زیان‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چنین اقدامی در ابعاد مختلف، اندیشیده‌اند؟! بحث نگارنده در این نوشته کوتاه، بررسی ریشه‌ای زیان‌ها و خسارات این تصمیم نیست، اما مسئله مهم و عبرت‌آموز این است که چرا باید دوباره و چندین‌چندبار تصمیمات حاکمیتی از این دست تا که بلااستثنا در موارد مشابه در گذشته با شکست روبه‌رو شده دوباره تجربه کنیم؟ مگر تجربه‌های شکست‌خورده، نباید چراغ راه حرکت به سوی آینده باشد؟ مگر از تلاش برای جلوگیری از استفاده از ویئو در دهه ۷۰ با حربه قانونی، نتیجه گرفتیم؟ عاقبت آن تصمیم چه شد؟

محدودیت‌های ایجادشده برای استفاده از ماهواره و توسل به ابزار بی‌حاصل پارازیت و قسوه قهریه، مگر نتیجه‌ای جز، هدایت جامعه به استفاده از شبکه‌های فرامزی و رویکردانی از تلویزیون ملی و رسانه‌های داخلی داشت؟ انصافاً توقیف روزنامه‌های وطنی شناسنامه‌دار، اما حرف‌ای، عاقبت‌اندیش و مستقل، در داخل، مخاطبان رسانه‌های رسمی را افزایش داد یا به رونق بازار رسانه‌های خارجی انجامید؟ مگر فیلتر سایت‌های خبری شناسنامه‌دار داخلی، نتیجه‌ای جز مهیاکردن زمینه برای تاخت‌وتاز آمدنیوزها و رسانه‌های متشابه به دنبال داشت؟ اگر جز این است که نیست، پس اصرار برای فیلترینگ تلگرام و موارد مشابه و تجربه دوباره یک سیاست شکست‌خورده، برای چیست؟ تردید نکنیم که چنین اقدامی نه‌تنها به زیان همه، از مردم و جامعه تا دولت و حاکمیت خواهد بود، بلکه فاصله میان ملت و حاکمیت را بیشتر خواهد کرد. بالاتربردن این دیوار بی‌اعتمادی به سود امنیت ملی نیست! مشکل منتقدان و مخالفان سرسخت دولت، اگر نان مردم است، با فیلترینگ حل نمی‌شود و سفره مردم، رنگین نخواهد شد! ولی تنها میدان برای آهسته‌آهسته رسانیه‌های بیرونی باز شده و بی‌اعتمادی به رسانه ملی فرونی خواهد یافت. از تجارب گذشته درس بگیریم، آژموده را دوباره آزمودن خطاست!

ادامه از صفحه اول

پرواز جعفر

مرحوم سعدایی، نماینده فقید مردم چهارم مجلس ششم و نیز شادروان جعفر افقهی به‌ندرت روی صندلی خود دیده می‌شدند؛ دالما در میان نمایندگان در حرکت بودند و نمونه‌های موفق از لابی پارلمانی را برای حصول هم‌گرایی در طیف سیاسی اصلاح‌طلبان از خود به نمایش گذاشتند.

جعفر افقهی درعین‌حال عضو فعال کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نیز بود و بنده در دوران پرافتخار مجلس ششم، به کمک او و دیگر دوستان توانستیم ارتباط موثر و سازنده‌ای با مجموعه آموزش‌وپروورش وتشکل‌های فرهنگیان برقرار کنیم.

خدا رحمتش کند؛ باورم نمی‌شود از این سرای فانی رخت برگشیده باشد. چهره‌ای بشاش و دوست‌داشتنی داشت. یاد ندارم اخمی بر چهره او دیده باشم. تبسمی همیشگی در چهره معصوم او بود که فراموش‌نشدنی است.

بعد از دوران پرت‌نوت‌اپ مجلس ششم، جعفر افقهی نیز مانند قریب به دوصد نماینده همفکر خود کنار گذاشته و توانمندی‌هایش نادیده گرفته شد. او البته فعالیت آرام و بی‌سروصدای سیاسی را کنار نگذاشت. تا جایی که می‌دانم در حاشیه تشکل‌های فرهنگیان و درکنار یاران سابق سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی فعالیت می‌کرد و در رنج آنان شریک بود.

مرگ نابه‌هنگام مرحوم افقهی در حادثه تصادف رانندگی خبری تلخ و ناگوار بود. به سهم خویش این حادثه دردناک را به خانواده شریف او و همکارانم در مجلس ششم تسلیت می‌گویم. آرزو می‌کنم به جایی برسیم که پس از ایام نرورز، ازاین‌دست اخبار تلخ به حداقل رسیده باشد.